



سوئد:

ممنوعیت ازدواج اجباری یک قدم به پیش!

صفحه ۲

کریم نوری



جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سیویل سوسایتی، ان جی او، لایبسم، حقوق بشر، اصلاحات و فرمیسم

صفحه ۳

گفتگو با آذر ماجدی

بخش مهمی از ابوزیسیون در ایران و کشورهای منطقه و همینطور جریانات چپ و فمینیست در اروپا فعالیت خود را در چهارچوب جامعه مدنی، حقوق بشر، ان جی اوها، لایبسم و حمایت از اصلاح طلبی حکومتی پیش میبرند. در میان برخی جریانات چپ این مضمون از فعالیت بعضا بعنوان روشهای 'اجتماعی و غیر فرقه ای' معرفی میشود. در این گفتگو به افقها و سیاست ها و تاکتیک های جنبش های اجتماعی متمایز میپردازیم.

در حاشیه اخبار

باز هم هشدار در باره حجاب
حجاب در ایران، حجاب در برزیل

مبارزه

با فحشاء

از یک دنیای بهتر
نوشته منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



۳- قانون به رسمیت شناخته شدن ازدواج سختتر خواهد شد. در صورتی که یکی از طرفین مقیم سوئد بوده باشد قاعدتا ازدواج خارج از سوئد به رسمیت شناخته نخواهد شد. ازدواجهای پستی غیر رسمی محسوب میشوند.

۴- مقررات سختگیرانه تری شامل افراد و یا نهادهایی که مراسم عقد و ازدواج کودکان را برقرار میکنند خواهد شد.

آیا قانون جدید کافیهست؟

ازدواج اجباری یک تعرض آشکار به پایه ای ترین حق هر انسانی است. این تعرض با میدان دادن به مذاهب و سنن عقب مانده هنوز در جامعه سوئد زندگی انسانهای زیادی را به تباهی می کشد. مبارزه برای امحای هر نوع خشونت تحت لوای ناموس، مذهب، سنن و فرهنگ ادامه خواهد یافت. اجرائی شدن این قانون امکان جدیدی را برای نهادهای دفاع از حقوق کودکان ایجاد می کند تا بتوان با این پدیده مبارزه بهتری را سازمان داد. از این به بعد سازمان تأمین اجتماعی و مدارس موظف خواهند بود با مسئولیت بیشتری نگرانی کودکان را جدی بگیرند. *

کودکان مقدم اند، بر هر چیزی، بر هر ملاحظه و منفعت ملی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی!

سوئد:

ممنوعیت ازدواج اجباری یک قدم به پیش!

کریم نوری

سوئد که پژوهشی را انجام داده بودند در گزارش خود نوشتند: تعداد ۷۰ هزار کودک "دختر" حق انتخاب همسر خود را ندارند. کودکان همجنسگرا و ادار به ازدواج با جنس مخالف خود میشوند تا "معالجه" شوند. آنها از دوران کودکی خود محروم شده و مورد خشونت فیزیکی و روانی قرار میگیرند.

بعنوان یک فعال شبکه مردان علیه خشونت ناموسی و فعال سازمان آزادی زن، اجرائی شدن قانون ممنوعیت ازدواج اجباری در سوئد را یک قدم به پیش ارزیابی می کنم. هنوز راه طولانی برای امحای خشونت و کوتاه کردن دست مذاهب و سنت های عقب مانده از زندگی شهروندان جامعه در پیش داریم. بالاخره تلاشهای فعالین این عرصه به بار نشست و دولت اعلام کرد که قانون ممنوعیت ازدواج اجباری از اول جولای ۲۰۱۴ در سوئد اجرائی می شود.

از اول جولای ۲۰۱۴ قانون جدید علیه ازدواج اجباری در سوئد به اجرا در خواهد آمد!

۱- ازدواج اجباری جرم محسوب میشود. در حال حاضر هم ازدواج اجباری غیر قانونی هست اما با اجرائی شدن قانون جدید، خانواده اجازه و ادار کردن کودکان خود به کاری که دور از خواسته آنها باشند را ندارند.

۲- برگه رضایت دولتی برای ازدواج زیر ۱۸ سال صادر نخواهد شد.

بر اساس گزارشهای آماری ۱۴ میلیون دختر زیر ۱۸ سال هر ساله و ادار به ازدواج میشوند. سازمان ملل اعتقاد دارد که ۱۴۰ میلیون کودک دختر تا سال ۲۰۲۰ و ادار به ازدواج خواهند شد. این گوشه ای از نظم جهانی موجود است که کودکی کودکان را به یغما می برد. در دل این دنیای وارونه مبارزه هر روزه و خستگی نا پذیر انسانهایی که برای یک دنیای بهتر برای کودکان تلاش می کنند، ادامه دارد.

مبارزات مردم آزادیخواه و نهادهای دفاع از حقوق کودکان در سوئد عرصه های قابل توجهی را تسخیر کرده است ولی علیرغم اینها هنوز تعداد زیادی از کودکان که در خانواده های مهاجر زندگی می کنند از حق کودکی محرومند. سیاست نسبیبت فرهنگی در جامعه سوئد که بعنوان راسیسم نوین از آن یاد می شود در قبال این شهروندان جامعه کودکی آنان را از آنها ربوده است.

سالها پیش سیاستمداران سوئدی از ازدواج های اجباری اطلاع داشتند و گزارشهایی را از کودکانی که در آستانه تعطیلات تابستانی به کشورهای والدین برده شده و به شوهر داده می شدند را دریافت می کردند اما حاضر نبودند که حقوق جهانشمول کودکان را به رسمیت بشناسند و حتی در قبال جوانانی که به سن قانونی رسیده بودند و علیرغم میل خود با فشار خانواده به زندگی مشترک ناخواسته مجبور می شدند چشم پوشی می کردند.

فشار نهادها و سازمانهای پیشرو همچون سازمان آزادی زن، شبکه مردان علیه خشونت های ناموسی، این تعدی آشکار به حقوق پایه ای شهروندان را به آجدادی سیاسی نهادهای دولتی تحمیل کرد. در پی این تلاشها سه سال پیش یک نهاد دولتی

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



توانیم به پیروزی برسیم، از این کار بدلائل پابندی مان به اصول انسانی اجتناب می‌کنیم. قصد منصور حکمت در فرار دادن این مبحث در زمره مبانی کمونیسم کارگری و ارائه این مثال معین، تاکید بر تفاوت کمونیسم کارگری با کمونیسم های غیر کارگری است که هر نوع بی‌اصولی را به بهانه تاکتیک توجیه کرده و می‌کنند.

برای کمونیسم بورژوایی چه ورژن بین المللی آن و چه ورژن "وطنی" آن، تاکتیک همواره بمعنای "پولتیک زدن" است. هر وقت از تاکتیک و "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" صحبت می‌کنند، کاسه ای زیر نیم کاسه دارند. نیت شان انداختن یک سیاست راست، ارتجاعی، ضد کمونیستی تحت نام کمونیسم به خلق الله است. حزب توده در تبعیت از پدران کمونیسم پرو سویی خویش، در این نوع پولتیک زدن ید طولایی دارد. سازمان های چپ پوپولیست "وطنی" جز اینگونه تاکتیک زدن کار دیگری نکرده و نمی‌کنند. دفاع از خمینی بعنوان «قهرمان جبهه ضد امپریالیست»، حمایت از رژیم اسلامی در جنگ علیه دشمن خارجی، سکوت در مقابل سیاست های زن ستیزانه رژیم اسلامی، دفاع از خاتمی و جریان ۲ خرداد، دفاع از جنبش «سبز»، اینها صرفا نمونه هایی از اینگونه تاکتیک گرایی است.

کمونیست ماهانه: بدنبال پایان جنگ سرد موجی از طرفداری از بازار و دموکراسی آغاز شد. این موج در مراحل بعدی به یک همزیستی

صفحه ۴

به نقل از نشریه کمونیست ماهانه شماره ۵

جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سیویل سوسایتی، ان جی او، لایبسم، حقوق بشر، اصلاحات و فرمیسم

گفتگو با آذر ماجدی

ارتجاعی ترین و راست ترین سیاست ها می شدند. تاکتیک برای این دسته کمونیست ها یعنی اپورتونیسم، یعنی این الوقت بودن، یعنی بی اصولی، یعنی دنبال کردن سیاستی متناقض با کمونیسم. اما تاکتیک برای کمونیسم کارگری یعنی اتخاذ سیاست هایی که ضمن همخوانی کامل با روش ها و ایده های کمونیستی و انسانی، کمونیسم را در سیاست و عمل به استراتژی انقلاب کارگری و سرنگونی سرمایه داری نزدیک تر می سازد. نزد کمونیسم کارگری در تقابل کامل با جریانات کمونیسم غیر کارگری شعار "هدف وسیله را توجیه نمی‌کند" طرح و تاکید شده است.

در سمینار کمونیسم کارگری ۲ در انجمن مارکس بتاريخ مارس ۲۰۰۰ منصور حکمت مشخصا درباره جایگاه تاکتیک نزد کمونیسم کارگری صحبت می‌کند. بعنوان یکی از مبانی پایه ای کمونیسم کارگری بر مساله همخوانی تاکتیک با اصول کمونیسم کارگری و استراتژی تاکید می‌کند. در نقد کمونیسم بورژوایی که چگونه تاکتیک برایش هر نوع بی‌پرنسیبی را توجیه می‌کند، از این سخن می‌گوید که تاکتیک نزد کمونیسم کارگری همواره در تطابق کامل با اصول قرار دارد. صریحا اعلام می‌کند: "در تفکر ما تاکتیک نمیتواند با اصول مغایر باشد. ... عدم تناقض تاکتیک و استراتژی و خوانایی تاکتیک و استراتژی یک جنبه هویتی ما است."

و در جایی دیگر در همین رابطه مثالی برای توضیح این اصل پایه ای می‌زند که بسیار گویا و جالب توجه است. می‌گوید اگر در یک جنگ حتی برای ما مسلح باشد که با بمباران ده مقابل می

بخش مهمی از اپوزیسیون در ایران و کشورهای منطقه و همبسطور جریانات چپ و فمینیست در اروپا فعالیت خود را در چهارچوب جامعه مدنی، حقوق بشر، ان جی اوها، لایبسم و حمایت از اصلاح طلبی حکومتی پیش می‌برند. در میان برخی جریانات چپ این مضمون از فعالیت بعضا بعنوان روشهای "اجتماعی و غیر فرقه ای" معرفی میشود. در این گفتگو به افقها و سیاست ها و تاکتیک های جنبش های اجتماعی متمایز می‌پردازیم.

کمونیست ماهانه: کمونیسم کارگری رابطه اهداف و اصول و سیاست و تاکتیک را چگونه تبیین میکند؟ انسجام در اصول و روش و تاکتیک چه اهمیتی دارد؟

آذر ماجدی: یکی از مبانی هویتی کمونیسم کارگری رابطه اصولی میان استراتژی و تاکتیک است. تاکتیک نزد کمونیسم کارگری با اهداف و اصول پایه ای آن باید همخوانی داشته باشد. بدین ترتیب کمونیسم کارگری از نظر سیاسی، استراتژیک و تاکتیک یک دیدگاه کاملا منسجم است. در حقیقت این یکی از ویژگی های کمونیسم کارگری در قیاس با سایر جریانات کمونیستی غیر کارگری است.

طی تاریخ جریانات کمونیستی بورژوایی متعددی وجود داشته اند که در زبان بر کمونیسم و انقلاب کارگری پای می‌فشرده و در عمل، از سوراخ تاکتیک، مدافع

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

برخی سخنرانان طرح شد. اما در کمال تعجب متوجه شدم که موضوع یکی از پانل ها چگونگی دریافت کمک مالی از نهادهای بین المللی است. دو سه زن جوان کت و دامن پوش پشت میکروفون حاضر شدند و درسی به جمع دادند. در اینجا کنفرانس بیشتر به یک کنفرانس بازرگانی شباهت پیدا کرد تا کنفرانسی درباره حقوق زن!

کمونیسم کارگری نقد عمیق و رادیکالی به دموکراسی دارد. متوسل شدن به انتخابات و نهادهای دموکراسی برای رسیدن به خواستها پوچ و بیهوده است. اینکه در شرایطی یک حزب و جریان کمونیستی کارگری نهاد های دموکراسی را مورد استفاده قرار دهد کاملا به میزان قدرت این جریان بستگی دارد. در شرایطی یک حزب قوی کمونیستی کارگری ممکن است فعالیت لابیستی هم انجام دهد، لیکن تبدیل لابیسم به یک وجه ثابت و دائم فعالیت افتادن به دام دموکراسی و رفرمیسم است. لابیسم در چنین شرایطی صرفا اعتبار نهادهای بورژوازی، دولتهای بورژوازی و دموکراسی را نزد مردم و طبقه کارگر بالا می برد. کمونیسم کارگری از این روش نه تنها سود نمی برد بلکه زیان می بیند. در شرایطی استفاده از لابیسم بعنوان تاکتیک برای یک حزب کمونیستی با قدرت می تواند روشی موثر باشد. در چنین شرایطی، از موضع قدرت در کنار نهادهای بورژوازی قرار گرفتن می تواند برفع ارتقاء اعتبار سیاسی - اجتماعی حزب مزبور و افزایش بورژوازی باشد. لیکن توسل به لابیسم بعنوان یک روش روتین و برای طلب کمک و دادخواهی صرفا به زیان کمونیسم و برفع ارتقاء اعتبار نهادهای بورژوازی تمام می شود.

کمونیست ماهانه: وقتی با فعالین دموکراسی خواه در جنبش های مختلف روبرو میشوید، از تناسب قوا و شرایط مبارزه شان سخن میگویند. استدلال میکنند که در این تناسب قوا تنها از این شیوه ها و یا لاقلا فعلا از این طریق میتوان برای هر درجه از بهبود مبارزه کرد. اول نقد شما به این دیدگاه چیست و ثانیا آیا اصولا درک

جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سیویل سوسایتی، ان جی او، لابیسم، حقوق بشر، اصلاحات و رفرمیسم ...

مطلوبیت خود را از دست داده است. روند در دو دهه اخیر بسوی تشکیل ان جی او ها بوده است. سیویل سوسایتی (جامعه مدنی) به کلام روز بدل شده است. فعالین به تجمع در این قالبها روی آور شده اند. ماهیت چنین سازمان هایی مبارزه توده ای، تلاش برای سازماندهی و تشکل وسیع و توده ای، مبارزه و اعتراض را عملا نفی می کند. لابیسم و دادخواهی بردن به عاملین، آمرین و توجیه کنندگان ستم و نظام حاکم، روش اصلی اینگونه سازمانیابی است. بورژوازی تلاش سیاسی - ایدئولوژیک بسیاری برای مطلوب جلوه دادن این روش بکار بسته است. این روش در بسیاری جوامع عملا فعالیت و سازمانیابی توده ای را منقذ کرده است. بجای تشکیل احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، سازمان های سیاسی برای خواستهای معین، ان جی او تشکیل می شود. ان جی او بنا بر تعریف یک نهاد رفرمیستی - لابیستی است. تا آنجا که به ایران و کشورهای منطقه مربوط می شود، وابستگی مالی این نهادها به سازمان های بین المللی تاثیرات مخرب بیشتری بر روند حرکت و مبارزه جنبش های اجتماعی گذاشته است. دیگر خواست و هدف و برنامه تعدادی فعال برنامه و پلتفرم یک سازمان را تعیین نمی کند؛ پروژه ای که قادر به دریافت کمک مالی از جانب سازمان های خیریه یا حقوق بشری بین المللی یا دولتها باشد، برنامه و پلتفرم این نهاد را تعیین می کند. کفایت چند فعال رادیکال را مدتی در چنین نهادی سازمان دهید تا کاملا بشکل یک لابیست حرفه ای درآیند.

در اینجا گذرا به یک تجربه در این زمینه اشاره می کنم. 5 سال پیش در یک کنفرانس بین المللی برای حقوق زن، صلح و علیه میلیتاریسم در مقدونیه شرکت کردم. بحث های جالبی از طرف

سیاسی با نظم موجود رسید و روشها و قالب ها و ادبیات سیاسی خاصی را در قلمرو سیاست ایران و منطقه وارد کرد. مبارزه برای حقوق مدنی و اصلاحات از طریق انتخابات، فعالیت در چهارچوب ان جی اوها، لابیسم بعنوان یک روش اعمال فشار در تحقق اهداف مورد نظر از جمله چهارچوبهای این نوع نگرش اند. نقد عمومی شما بعنوان یک مارکسیست و کمونیست کارگری به این چهارچوب ها چیست؟

آذر ماجدی: در پایان جنگ سرد و سقوط شوروی، بسیاری از جریانات سابق "کمونیست" یکشنبه نام خود را از کمونیست به رفرمیست و دموکرات تغییر دادند. دموکراسی، احترام به آن بعنوان یک آرمان در راس مطالبات و اهداف آنها قرار گرفت. لیکن لازم به اشاره است که در واقعیت امر اهداف و سیاست آنها در عمل راست تر نشد. چنین جریاناتی ممکن است در برنامه خود از انقلاب سوسیالیستی دفاع می کردند، اما در عمل یک سیاست رفرمیستی را پی می گرفتند. ظاهرا نزد آنها شرایط "عینی" یا "ذهنی" هیچگاه برای انقلاب کارگری، سرنگونی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم آماده نبود. از قضا چنین جریاناتی بودند که بنام تاکتیک و تحلیل مشخص از شرایط مشخص هر روزه از یک سیاست راست و رفرمیستی به یک سیاست راست دیگر در میغلطیدند. با سقوط شوروی اتفاقی که افتاد در برنامه و در زبان هم سوسیالیسم حاشیه ای شد و رفرم در نظام سرمایه داری و "دموکراسی واقعی" جای آنرا گرفت.

حاصل این تحول تغییرات پایه ای در جنبش های اجتماعی است. بتدریج اشکال کلاسیک مبارزه و تلاش برای تغییر، ایجاد اتحاد و تشکل در صفوف انسان های تحت ستم، سازماندهی اعتراضات جمعی و توده ای، بیک معنا سازماندهی فشار از پایین،

روش فعالیت انتخاب می کند، چه کسی سود می برد؟ کمونیسیم و مبارزه سوسیالیستی؟ یا نهاد دموکراسی بورژوایی؟

نهادهای ان جی او از طریق لابیسم برای تغییر قوانین تلاش می کنند. تغییر یک تبصره در یک قانون دستاورد بزرگی نزد بسیاری از این ان جی او ها محسوب می شود. هم اکنون در منطقه بسیاری از این ان جی او ها وجود دارند که برای حقوق زن مبارزه می کنند. تمام هدفشان تغییر قوانینی بنفع حقوق زن است. و زمانیکه به حاصل مبارزه شان نگاه می کنید، متوجه می شوید که در بهترین حالت طی ده سال توانسته اند دولت را قانع کنند که بیانیه علیه تبعیض جنسی سازمان ملل را امضاء کند. اما در دنیای واقعی حتی امضای این بیانیه کوچکترین تغییری در موقعیت زنان ایجاد نمی کند. حداکثر تغییر ایجاد نان و نوایی برای برخی زنان طبقات بالا است. این اغراق نیست. واقعیت است. اخیرا پس از سه سال فعالیت مستمر و صرف انرژی و هزینه بسیار در عراق یک قانونی بنفع حقوق زنان تصویب شد که در واقع امر شبیه قوانین زمان حکومت صدام حسین است. این را این نهاد های ان جی او با افتخار جشن گرفته بودند. آیا این آن چیزی است که جامعه عراق و توده زنان در این جامعه خواهان آنند؟ از بحث دور نشوم. سویل سوسایتی و لابیسم کاملا بهم گره خورده اند و انسان ناگزیر از یکی که حرف می زند باید به دیگری هم بپردازد.

اما ایجاد اصلاحات برای کمونیسیم کارگری از طریق لابیسم پیش برده نمی شود. از طریق مبارزه و سازماندهی اجتماعی و ایجاد یا تقویت یک جنبش اجتماعی است که با مبارزه خود از پایین حکومت را مجبور به تغییر و تسلیم می کند. یک حاصل بلافاصل چنین شیوه ای اینست که تغییری که در نتیجه مبارزه اجتماعی حاصل می شود فرمال نیست. جامعه ای که برای تغییر به تحرک آمده و آنرا به حکومت تحمیل کرده است، تغییر را سرعت درونی می کند. اما تغییر حقوقی از طریق لابیسم درون دالان ها و دفاتر محبوس می ماند.

صفحه ۶

جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سویل سوسایتی، ان جی او، لابیسم، حقوق بشر، اصلاحات و فرمیسم ...

موجه و قابل و قبول است. و باین ترتیب خواسته یا ناخواسته می کوشند خواستهای مردم را یا عناصر یک جنبش اجتماعی معین را تقلیل دهند؛ به کمتر راضی شان کنند. باین گونه است که اینگونه نهادهای اصلاح طلب عملا در خدمت حکومت ارتجاع و اختناق قرار می گیرند.

زمانیکه با این افراد از تغییر شرایط و توازن قوا بنفع مردم و پیشبرد مبارزه رادیکالتر صحبت می کنید، در بهترین حالت شما را یک ایده آلیست و در بدترین حالت یک انسان هیروتی ارزیابی می کنند. در کنفرانسی که اخیرا در بلژیک در مورد وضعیت زنان در کشورهای منطقه بویژه سوریه شرکت داشتم این مبحث بطرق مختلف مطرح شد. برخی کاملا این شرایط را توجیه سیاستهای راست خود قرار می دادند و بودند فعالینی که به این استدلال تسلیم شده بودند. بنظر من مبحث رابطه انقلاب و اصلاحات نزد کمونیسیم کارگری کاملا پاسخگو و راهگشا است. اما برای اعمال آن و در عمل جلب این فعالین نیاز به یک حزب کمونیستی کارگری فعال و اجتماعی است.

کمونیسیم ماهانه: نقد شما به لابیسم که دیگر امروز به جزئی از سیاست و روش عملی بسیاری از نیروها و جنبش ها تبدیل شده است چیست؟ برای جنبش کمونیستی کارگری کار لابیستی چه مکان و جایگاهی دارد؟

آذر ماجدی: در پاسخ به سوالی در بالا تا حدودی به این مقوله اشاره کردم. لابیسم روش و سبک کار کمونیستی نیست. سوال اینست که یک جریان کمونیستی چه حاصلی از فعالیت لابیستی بدست می آورد؟ باید دید زمانیکه یک حزب کمونیستی فعالیت لابیستی را بعنوان یک

تناسب قوا در روش برخورد کمونیست ها و اتخاذ سیاست و تاکتیک جایی دارد؟

آذر ماجدی: اختناق، استبداد و توازن قوا فاکتورهایی مهم در سازمانیابی جنبش های اجتماعی و تعیین روش و تاکتیک مبارزاتی است. این فاکتورها را باید شناخت و ویژگی هر شرایطی را بروشنی تحلیل کرد. این از الفبای مبارزاتی است. کمونیسیم کارگری پا بر زمین دارد و این فاکتورها را کاملا در نظر می گیرد. لیکن برای جریانات اصلاح طلب این فاکتورها به یک فیتش بدل می شود. این فاکتورها عملا بهانه ای می شود برای ممانعت از مبارزه رادیکال؛ تقلیل خواستهای مردم و تلاش برای تسلیم آنها به تکه نانی که بورژوازی جلوی آنها پرتاب می کند؛ برای اصلاح طلبان مبارزه برای اصلاحات در شرایط اختناق یک وسیله برای رسیدن به یک شرایط آزادتر برای پیشبرد وسیعتر مبارزه نیست؛ یک اصل و هدف در خود است.

برای کمونیسیم کارگری هدف تغییر توازن قوا بنفع مردم، بنفع طبقه کارگر و انقلاب کارگری است. سازماندهی برای عقب راندن دولت، کاهش اختناق یکی از ارکان فعالیت سیاسی کمونیستی است. مبارزه کمونیستی در شرایط اختناق کار پیچیده ای است. تلاش برای ایجاد پلاتفرم های علنی برای مبارزه و در عین حال پیشبرد مبارزه مخفی در میان طبقه کارگر، کمونیستها، و در جنبش های اجتماعی یک امر مهم کمونیسیم کارگری است. از مباحث مهم سازماندهی نزد کمونیسیم کارگری "تلفیق کار مخفی و علنی" است.

لیکن فعالین اصلاح طلب شرایط اختناق و استبداد را ثابت و دائمی فرض می کنند و می کوشند خود را با آن وفق دهند؛ می کوشند در همان چارچوب اصلاحاتی ایجاد کنند. برای آنها این اصلاحات یک هدف در خود است. لذا هر گونه سازش برایشان

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

گوشه ای از بحث "حزب و جامعه" است. شما چه فکر میکنید؟

آذر ماجدی: "حزب و جامعه" یکی از ارکان استراتژیک کمونیسم کارگری است. منصور حکمت بدنبال طرح مبحث حزب و قدرت سیاسی در کنگره دوم حزب در سال ۱۹۹۸ مبحث حزب و جامعه را طرح کرد و کوشید که این تفکر و روش نوین را در حزب جاری کند. کمونیسم سنتا اجتماعی بوده است و در متن تحولات و سوخت و سازهای اجتماعی قرار داشته است. لیکن سرکوب خشن بورژوازی و اختناق، کمونیست ها را به حاشیه جامعه رانده است. طی زمان این فعالیت حاشیه ای به هویت کمونیسم بدل شده است. منصور حکمت در پی یافتن علل بی تأثیری کمونیسم بعنوان یک جریان اصلی سیاسی - اجتماعی در قدرت سیاسی، کمونیسم کارگری را بعنوان نه تنها یک تفکر و ایدئولوژی نوین، بلکه یک جنبش اجتماعی طرح نمود. مبحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه در روند تکوین تئوری و پراتیک کمونیسم کارگری از طرف منصور حکمت تبیین شد.

این مقدمه لازم بود تا بتوان تفاوت ماهوی فعالیت از نوع حزب و جامعه ای مد نظر منصور حکمت و فعالیت های قانونگرایانه، ان جی او، سویل سوسیالیستی و لابیسم را بهتر نشان داد. سازمانهای قانونگرا همواره در اوج اختناق بورژوازی هم موجود بوده اند. مبارزه با توسل به قانون برای برخی اصلاحات روش رفرمیسم بوده و هست. مبحث حزب و جامعه از این نظر کاملا متفاوت است. کلید مساله که منصور حکمت بروشنی بر آن می کوبد "توده ای کردن رادیکالیسم و ماکزیمالیسم" کمونیستی است. این آن وجه مهم و تعیین کننده است که سنتا از جانب جریانات چپ نادیده گرفته شده و هنوز نیز نادیده گرفته می شود. چپ سنتا اجتماعی شدن را بمعنای راست شدن و تقلیل آرمانها و رادیکالیسم کمونیستی فهمیده است. برای روشن تر شدن بحث به نقلی قولی از منصور حکمت در این مورد توجه کنید:

صفحه ۷

جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سویل سوسیالیستی، ان جی او، لابیسم، حقوق بشر، اصلاحات و رفرمیسم ...

سوسیالیست با تشکیل هسته هایی می توانند آغازگر یک حرکت عمومی و علنی باشند. سازمان آزادی زن، فرضا، فراخوان تشکیل جمع های آزادی زن را داده است. می توان در محله، در محل کار، دانشگاه یا مدرسه دور هم جمع شد و در مورد حقوق زن و مساله زن جلسات تبادل نظر گذاشت؛ با این ایده سازماندهی کرد و آمادگی برای اعتراضات علنی لازم را بوجود آورد. در جنبش دانشجویی هم بهمین منوال. مساله اینجاست که فرهنگ ان جی او سازی و سویل سوسیالیستی آنچنان بر جامعه حاکم شده است که هر فعالی که به سازمانیابی یا فعالیت می اندیشد، به پیشبرد امرش از طریق اینگونه سازمانیابی می رسد. بنظر من هر جنبشی شکل سازمانیابی خود را دارد. می توان با زمان بجلو رفت و انطباق یافت. فرضا در شرایط کنونی می توان از پوشش ان جی او استفاده کرد، اما باید آگاه بود که شکل سازمانی فقط شکل یا فرمال نیست، خصوصیات معینی دارد که این خصوصیات بناگزی خود را بر فعالیت ما تحمیل می کند. این ظرافت را باید شناخت. مبارزه برای یک خواست معین را می توان از طریق ان جی او که فعالیتش عمدتا لابیستی است پیش برد، یا از طریق سازماندهی محلی- اجتماعی. یک مبارزه رادیکال-کمونیستی نمی تواند با شکل فعالیت ان جی او و لابیسم به اهدافش نایل آید.

کمونیست ماهانه: حزب حکمتیست و کمونیسم کارگری بر فعالیتهای اجتماعی تاکید دارد. بحث "حزب و جامعه" عنوان عمومی این نگرش و چهارچوب است. برخی ممکن است بگویند در شرایط اختناق ترجمه "حزب و جامعه" فعالیت در قالب ان جی او یا قانونگرایی است و یا در کشورهای غربی چهارچوبهای حقوق بشری و لابیسم

بعضا برخی جریانات کمونیستی ایران برای تحمیل فشار به رژیم اسلامی متوسل به لابیسم می شوند. چنین فعالیت هایی بندرت تأثیر گذار است. باز تکرار می کنم: تصمیم در مورد استفاده از روش لابیستی کاملا به میزان قدرت و موقعیت حزب کمونیستی بستگی دارد. یک حزب قوی که یک پای قدرت است می تواند بشیوه ای عمل کند که یک حزب با قدرت کم نمی تواند. اما روشن است که لابیسم هیچ ربطی به فعالیت از نوع حزب و جامعه ای کمونیسم کارگری ندارد.

کمونیست ماهانه: ان جی اوها یا سازمانها و نهادهای غیر دولتی، دوره ای در ایران بویژه در دوره دو خرداد بدرجه ای امکان فعالیت پیدا کردند. فعالیت در چهارچوب ان جی او و قانون طبقه حاکم با فعالیت در چهارچوبهای "علنی - قانونی" چه تفاوتی دارد؟ کمونیست ها، انقلابیون و فعالین جنبش های اجتماعی این تمایز را در نظر و عمل چگونه باید پیش ببرند؟

آذر ماجدی: آنچه در مبحث سازماندهی کمونیستی "تلفیق مبارزه مخفی و علنی" نام گرفته است می توان گفت که یکی از پیچیده ترین سیاستهای پراتیک کمونیستی است. تشخیص توازن قوا، حفظ نیرو ضمن پیشبرد مبارزه و تحمیل عقب نشینی به حکومت بورژوازی، درک عمیق سیاسی و بصیرت بسیاری طلب می کند. اما رهبران عملی رادیکال سوسیالیست طبقه کارگر در مبارزه روزمره این سیاست را به پیش می برند. سازماندهی یک اعتصاب یا اعتراض کارگری چنین پراتیکی را طلب می کند. سازماندهی یک اعتصاب کارگری در شرایط اختناق بورژوازی میزان بالایی از تلفیق کار مخفی و علنی را طلب می کند.

در جنبش های دیگر هم می توان این پراتیک را به پیش برد. در جنبش آزادی زن، حقوق کودک، جنبش دانشجویی، جوانان و حتی ادبی. فعالین رادیکال

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

آذر ماجدی: مبارزه برای ایجاد تغییر و بهبود در جامعه و زندگی مردم کارگر و زحمتکش یک رکن فعالیت کمونیسم کارگری است. ما باید در این مبارزه دخالت فعال داشته باشیم. کمونیسم کارگری ضمن مبارزه فعال برای ایجاد اصلاحات و بهبود، نقد سرمایه و بورژوازی و افشای عجز آن در ایجاد اصلاحات عمیق، پایه ای و پایدار را در راس فعالیت خود قرار می دهد. ما، همانگونه که در پاسخ به سوالات بالا اشاره شد، خود را تسلیم توازن قوا و شرایط "عینی" موجود نمی کنیم. نمی نشینیم چرتکه بیانداریم که چه میزان اصلاحات در هر شرایطی از نظر بورژوازی امکانپذیر است و خود را با آن منطبق کنیم؛ این روش فعالیت اتحادیه های کارگری و ان جی او هاست. بیک معنا این تشکلات نقش مشاور بورژوازی را ایفاء می کنند.

* برای روشن تر شدن بحث بخشی از بحث منصور حکمت درباره مبحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه را نقل می کنیم:

"مباحث "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" از نظر من مباحثی هستند که میگویند موانع تبدیل شدن حزب کمونیست کارگری به یک حزب تمام عیار سیاسی را بشناسانند و از سر راه بردارند... وظیفه ما ایجاد یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری است. در طول این بیست سال ما تشریفات مارکسیستی ایجاد کرده ایم، پرچم آرمانها و برنامه های کمونیستی را برافراشته ایم، سازمانهای کوچک و بزرگ ساخته ایم، تبلیغ و ترویج کمونیستی کرده ایم، مبارزه مخفی و علنی و مسلحانه کرده ایم. اما وظیفه ما ایجاد یک حزب سیاسی است که در مرکز جدال قدرت در جامعه پرچم کارگر، پرچم مساوات طلبی و آزادی خواهی را بلند کند و بطور عینی یکسوی این جدال باشد و شانس پیروزی در این جدال سیاسی را داشته باشد. کمونیسم بر سر تغییر است. و تغییر جامعه بورژوایی ایجاد میکند که طبقه کارگر در جدال قدرت پیروز شود..."

"اما آنچه که به

جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سیویل سوسیالی، ان جی او، لایسیم، حقوق بشر، اصلاحات و رفرمیسم ...

مبارزه برای سازماندهی انقلاب اجتماعی در تناقض می بیند. برعکس، از نظر کمونیسم کارگری هر چه آزادی های سیاسی در جامعه وسیعتر باشد، بهر میزان که طبقه کارگر از رفاه و حرمت بیشتری برخوردار باشد، مبارزه برای سازماندهی انقلاب اجتماعی سهل تر و در دسترس تر خواهد بود. لذا کمونیسم کارگری کاملاً خود را در مبارزه هر روزه طبقه کارگر و توده های زحمتکش برای ایجاد بهبود و اصلاحات شریک می داند و دخالتگری در این مبارزه را بعنوان یک وظیفه اساسی خود می شناسد.

تفاوت کمونیسم کارگری با رفرمیسم در بی توجهی کمونیسم کارگری به اصلاحات نیست؛ بلکه در اینست که کمونیسم کارگری خود را به مقدرات و "امکانات" سرمایه و بورژوازی محدود نمی کند و خواستهای خود را تقلیل نمی دهد. امر ما ایجاد بهبود واقعی در زندگی مردم است و برای همین امر مبارزه می کنیم. بعلاوه، کمونیسم کارگری دامن عدم تمایل و توانایی سرمایه و بورژوازی برای ایجاد بهبود را به طبقه کارگر یادآور می شود. بصراحت و روشنی اعلام می کند که سرمایه نمی تواند یک زندگی مرفه و آزاد را برای بخش عظیم مردم تامین کند. بعلاوه، هر بهبود ناچیزی هم که در نتیجه مبارزه حاصل می شود، موقت است و بمحض تغییر توازن قوا بازپس گرفته خواهد شد. ما افق رفرمیستی را نقد و افشاء می کنیم. لیکن برای ایجاد بهبود مبارزه می کنیم. مبارزه برای سازماندهی انقلاب اجتماعی از همین کانال می گذرد.**

کمونیست ماهانه: چگونه میتوان رادیکال و اجتماعی بود و عبارتی دیگر چگونه باید رادیکالیسم را توده ای و اجتماعی کرد؟

"در کنگره دوم اشاره کردم که تاریخاً احزاب چپ وقتی خواسته اند اجتماعی بشوند و در ابعادی اجتماعی ظاهر بشوند، به راست چرخیده اند. اینطور توجیه کرده اند که جامعه راست تر از آنهاست و اگر رای میخواهند باید به راست بچرخند. و البته تاریخاً هم در این کار شکست خورده اند. ممکن است یک نماینده از یک حزب رادیکال چپ برای یک دوره به مجلس رفته باشد، اما همان یک نفر را هم دور بعد پرونده اش را زیر بغلش زده اند و روانه اش کرده اند که برود. ما یکی از معدود سازمانهای کمونیستی بعد از بلشویکها هستیم که میخواهد روی رادیکالیسم و ماکزیالیسمش توده ای بشود. سازمانی که اتفاقاً میخواهد ماکزیالیسم و کمونیسم را توده ای و اجتماعی کند. میخواهد آرمانها و ایده انقلاب کمونیستی اش را ببرد و توده ای و اجتماعی کند. میخواهد حرف آخرش در مورد مذهب را به حرف جامعه بدل کند. ما کسانی هستیم که معتقدیم باید این کمونیسم بی تخفیف را توده ای و اجتماعی کنیم." (حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی)*

کمونیست ماهانه: اصلاحات و مبارزه برای رفرم و انقلاب برای تغییر بنیادی از کانسپت های اساسی کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگری در تقابل با سیاست و تاکتیک جنبشهای دیگر، نقد سیاسی و عملی خود را چگونه در بحث اصلاحات و انقلاب تبیین میکند؟

آذر ماجدی: هدف اصلی و فوری کمونیسم کارگری سازماندهی یک انقلاب اجتماعی، انقلاب کارگری برای سرنگونی سرمایه داری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی است. کمونیسم کارگری بطور روزمره در جهت تحقق این هدف مبارزه می کند. اما این بهیچوجه باین معنا نیست که کمونیسم کارگری به مبارزه برای ایجاد اصلاح و بهبود در زندگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش جامعه بی تفاوت است یا آنرا با

بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، بدون مزدگیری و بدون دولت. یک جامعه آزاد انسانی متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر و سرنوشت آن جامعه کمونیستی همین امروز قابل پیاده شدن است. اما آن انقلاب عظیم کارگری ای که باید این جامعه آزاد را متحقق کند، بمجرد اراده حزب کمونیست کارگری رخ نمیدهد. این یک حرکت وسیع طبقاتی و اجتماعی است که باید در ابعاد و اشکال مختلف سازمان یابد. موانع گوناگونی باید از سر راه آن کنار زده شوند. این تلاش فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری و مضمون فعالیت هر روزه آن را تشکیل میدهد. اما در همان حال که این مبارزه برای سازماندهی انقلاب کارگری جریان دارد، میلیاردها انسان همچنان در تکاپوی هر روزه برای تامین معاش و آسایش خود در متن یک جهان سرمایه داری اند. مبارزه انقلابی برای برپایی یک دنیای نو، از تلاش هر روزه برای بهبود وضعیت زندگی مادی و معنوی بشریت کارگر در همین دنیای موجود جدایی پذیر نیست.

از نظر سیاسی، کمونیسم کارگری نه فقط سازماندهی انقلاب علیه نظام موجود را با تلاش برای تحمیل اصلاحات هرچه وسیع تر به آن در تناقض نمیبیند، بلکه حضور در هر دو جبهه مبارزه را شرط حیاتی پیروزی نهایی طبقه کارگر میداند. انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری اوضاع کارگران نیست. انقلابی مبتنی بر آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است. هرچه توده مردم کارگر از آزادی های سیاسی وسیع تری برخوردار باشند، هرچه شخصیت و حرمت مردم بطور کلی و طبقه کارگر بطور اخص در جامعه تثبیت شده تر باشد، هرچه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هرچه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوازی تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و پیروزی این انقلاب قاطعانه تر و همه جانبه تر خواهد بود. جنبش کمونیسم

صفحه ۹

جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سیویل سوسایتی، ان جی او، لایسم، حقوق بشر، اصلاحات و فرمیسم ...

بدهد، باید قوی باشد. باید قوی بشود، باید آنقدر قوی بشود که بورژوازی امروز را در جهان خود او شکست بدهد. این حرف قدیمی مارکس است که برای تغییر یک چیز، حتی برای نابود کردنش، باید دانست که چگونه کار میکند. باید قوانین حرکتش را شناخت. این ما نیستیم که تصمیم میگیریم چگونه میتوان در جهان امروز به یک نیروی قدرتمند سیاسی تبدیل شد. خود جامعه بنا بر مشخصاتش مکانیسم های زیر و رو شدن خود را نیز تعریف میکند. باید این مکانیسم ها را شناخت. مکانیزم هایی که اجازه میدهد ما، جنبش و حزب کمونیسم کارگری، رشد کنیم، نفوذ پیدا کنیم، نیرو جمع کنیم، به انقلاب بکشانیم، قدرت را از دستشان در آوریم، برنامه مان را پیاده کنیم.

وقتی از مکانیسم های خود جامعه صحبت میکنم منظورم مکانیسم های قانونی جامعه نیست. قیام و انقلاب مکانیسمهای جامعه معاصر است برای تغییر. خیزش، شورش، جنگ، مکانیسم های جامعه معاصر است برای تغییر. (حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی.)

**** یک منبع مهم برای درک اهمیت و رابطه انقلاب و اصلاحات نزد کمونیسم کارگری برنامه "یک دنیای بهتر" ، برنامه کمونیسم کارگری است. در اینجا این بخش از برنامه را نقل می کنیم:**

"انقلاب و اصلاحات

سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر امر فوری جنبش کمونیسم کارگری است، انقلابی که کل مناسبات استثمارگر سرمایه داری را واژگون میکند و به مصائب و مشقات ناشی از این نظام خاتمه میدهد. برنامه ما، برقراری فوری یک جامعه کمونیستی است. جامعه ای

فعالیت کمونیستی ما معنی می بخشد، دقیقاً همین ایجاد یک حزب کمونیستی کارگری است که در مقیاس کل جامعه، در صحنه جدال بر سر تعیین تکلیف قدرت سیاسی در جامعه، قد علم کند. حزبی که کارگر، و هر انسان مدافع آزادی و برابری، بتواند به آن بپیوندد و مطمئن باشد که از طریق آن میتواند عملاً و واقعا بر جامعه خود، محیط پیرامون خود و بر سرنوشت انسانهای معاصر خود تاثیر بگذارد."

"اگر یک چیز خواهد جوهر مشترک مراحل مختلف فعالیت ما را در این بیست سال بیان کند، تلاش برای شکل دادن به یک کمونیسم کارگری است که نه در حاشیه جامعه، بلکه در مرکز سیاست در جامعه، در متن جنگ قدرت، طبقه کارگر را به میدان بکشد و نمایندگی کند."

"اگر کسب قدرت مساله ماست، اولین سوال این است: مکانیسم های اجتماعی کسب قدرت، مکانیسم های قوی شدن و در قلمرو سیاسی پیروز شدن، در جامعه معاصر چیست. این بحث خیلی ملموسی است. بگذارید بررسیم در این دنیا چگونه میشود انسانهای زیاد را مخاطب قرار داد، چگونه میشود انسانهای زیاد را متحد و متشکل کرد، چگونه میتوان جنبشی ساخت که بر افکار انسانها در مقیاس وسیع تاثیر بگذارد. چگونه میتوان به جنگ آراء حاکم رفت. این آراء حاکم در جهان امروز چگونه ساخته میشود و به مردم باوراند میشود. مکانیسم هایش چیست و چگونه میتوان به جنگ اینها رفت. چگونه میتوان در جهانی با این مشخصات تولیدی، سیاسی، نظامی، انفورماتیک، فرهنگی، آموزشی، قدرتی شد که میتواند بر زندگی و اراده میلیونها نفر عضو طبقه کارگر، توده وسیع مردمی که آزادی و برابری میخواهند، تاثیر بگذارد و به میدانشان بکشد و به سمت درست هدایتشان کند؟ اگر حزب سیاسی کمونیستی کارگری خواهد کاری در این دنیا صورت

آزادی زن را بخوانید و بدست دوستانتان برسانید!

کشور" و امثالهم مقید و محدود نمیکند. نقطه عزیمت ما حقوق غیر قابل انکار انسان عصر ماست. اگر تحقق این حقوق، حقوقی نظیر حق سلامتی، حق آموزش، ایمنی اقتصادی، برابری زن و مرد، آزادی اعتصاب، حق دخالت مستقیم و دائمی توده مردم در حیات سیاسی جامعه، خلع ید از مذهب و غیره با سودآوری سرمایه و مصالح نظام سرمایه داری در تناقض است، این تنها شاهدهی بر ضرورت واژگونی این نظام است.

جنبش ما در مبارزه برای اصلاحات دایما این حقیقت را جلوی جامعه و طبقه کارگر میگیرد. قصد ما در این مبارزه ایجاد یک سرمایه داری اصلاح شده، سرمایه داری با "چهره انسانی" یا یک سرمایه داری "دلسوز" نیست. قصد ما تحمیل بخش هرچه بیشتری از حقوق حقه مردم کارگر به نظام حاکم است.

حقوق و خواست هایی را که بورژوازی با بقاء خویش ناسازگار می یابد و سرکوب میکند، طبقه کارگر همین امروز آماده است فوراً به جامع ترین شکل متحقق کند."

جنبشهای اجتماعی، سیاست و تاکتیک ها

سیویل سوسایتی، ان جی او، لایسم، حقوق بشر، اصلاحات و رفرمیسم ...

نشستن ابتدایی ترین مطالبات مقاومت میکند و پیشروی های بدست آمده نیز همواره موقت و ضربه پذیر و قابل بازپس گیری باقی میمانند. کمونیسم کارگری، در دل مبارزه برای اصلاحات همچنان بر ضرورت انقلاب اجتماعی بعنوان تنها آلترناتیو واقعا کارساز و رهایی بخش کارگری تاکید میکند. ثانیاً، کمونیسم کارگری در عین دفاع از حتی کوچک ترین بهبودها در زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم کارگر در جامعه، وظیفه خود را طرح و مطالبه حقوق سیاسی و مدنی و رفاهی هرچه وسیعتر و هرچه پیشروتر میداند.

جنبش ما در تعریف شعارها و خواست های خویش در مبارزه برای رفرم خود را به مقدرات و امکانات و قابلیت انعطاف طبقه سرمایه دار، به حساب سود و زیان سرمایه و مصالح "اقتصاد

کارگری در صف مقدم هر مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع مردم قرار دارد.

آنچه که کمونیسم کارگری را در مبارزه برای اصلاحات از جریانات و جنبش های رفرمیست، اعم از کارگری و غیر کارگری، متمایز میکند قبل از هر چیز اینست که اولاً، کمونیسم کارگری همواره بر این حقیقت تاکید میکند که تحقق آزادی و برابری کامل از طریق اصلاحات میسر نیست. حتی عمیق ترین و ریشه ای ترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی نیز بنا به تعریف بنیادهای نفرت آور نظام موجود، یعنی مالکیت خصوصی، تقسیم طبقاتی و نظام کار مزدی را دست نخورده باقی میگذارند. از این گذشته واقعیت این است که، به گواهی کل تاریخ جامعه سرمایه داری و تجربه جاری کشورهای مختلف، بورژوازی در اغلب موارد به قهرآمیزترین شیوه ها در برابر به کرسی

مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازبانی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای کانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیگیریانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

در حاشیه اخبار

باز هم هشدار در باره حجاب

حجاب در ایران، حجاب در برزیل

باز هم هشدار در باره حجاب

۱۹۵ نماینده مجلس ایران در بیانیه‌ای خطاب به حسن روحانی، خواهان "پیگیری جدی مسئله حجاب شدند و نسبت به پیامدهای جبران نشدنی" آن هشدار داده‌اند. این "هشدار" ها و "جدی برخورد کنید" ها، معنی اش چیزی جز "سرکوب علیه زنان را بیشتر کنید"، "اوباش بیشتری را در خیابانها و اماکن عمومی بگذارید"، "ارتش ضد زن را وسیع تر کنید" نیست.

هیچکدام از این سیاست ها جدید نیستند. آنچه جدید است تنها شکست همین سیاستهای بی خاصیت است. در جنگ جمهوری اسلامی با زنان برای تحمیل حجاب، جمهوری اسلامی شکست خورده و مثل کسی میماند که گوشه رینگ افتاده و کیسه بوکس شده است. حال، این موجود شکست خورده و ناتوان دچار شکاف شده است. جناحی میگوید با شمشیر اسلام قانون حجاب را اجرا کنید و جناح دیگر میگوید فایده ندارد و عواقب بدتری دارد. هر دویشان راست میگویند و هیچکدامشان راه حلی ندارند. هر دویشان شکست خوردند. این جنگ بازنده ها است. زنان در استیصال حکومتی ها و هشدارهایشان قدرت خود را میبینند و برای یکسره کردن نفی حجاب و نظم آپارتاید جنسی مصمم تر میشوند.

حجاب در ایران، حجاب در برزیل

در ایران جمهوری اسلامی علیرغم سرکوب روزمره زنان نتوانسته حجاب را برسر زنان نگهدارد و هر روز آوندها و مجلس نشین ها و "دلواپس های اسلام" داد و بیداد میکنند که کاری برای حجاب بکنید که "نظام در این زمینه سرنگون شده" است. حالا مجلس ارتجاع اسلامی میخواهد نماینده اش را برای نظارت بر "رعایت اخلاق اسلامی" تماشاگران فوتبال به مسابقات جام جهانی فوتبال در برزیل بفرستند! خودشان هم میدانند که این سیاست مصداق "صورت خود را با سیلی سرخ نگهداشتن" است.

اگر با وجود خیل گسترده اوباش ضد زن در خیابانها و نعره های اسلامی در نماز جمعه ها، وضع حجاب در ایران اینست، واضح است که سرنوشت سیاست نظارت بر "رعایت اخلاق اسلامی تماشاگران فوتبال" در برزیل چه خواهد بود! شکست خوردگان همواره حرکات شان مضحک و مضحک تر میشود.

آزادی زن

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

زنده باد اعتراض

گسترده زنان علیه

حجاب و آپارتاید

جنسی!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت

تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

به سازمان آزادی زن پیوندید!